

# آموزش عالی، کارآفرینی، رشد اقتصادی:

## ارایه یک مدل نظری و تحلیل تجربی

دکتر مجید مداح: عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

### چکیده:

یکی از عواملی که در کنار کار و سرمایه به عنوان منبع رشد و توسعه اقتصادی مطرح است، وجود کارآفرینان یا انترپرنورها با ویژگیهای پیش برنده‌ای می‌مانند خلاقیت و نوآوری است. گسترش روحیه کارآفرینی و تربیت و پرورش کارآفرینان در جامعه اثر مطلوبی بر رشد اقتصادی دارد چرا که کارآفرینان با استفاده صحیح از امکانات اقتصادی و خلق فرصت‌های تجاری جدید موجب بهبود عملکرد بنگاههایی تولیدی و خدماتی می‌شوند. دانشگاهها و مراکز آموزش عالی از نهادهای اثر گذار در تربیت کارآفرینان می‌باشند که در این مقاله نقش مرکز آموزش عالی در توسعه کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفته است. برای این کار ابتدا مدلی با عنوان آموزش عالی، کار آفرینی، رشد اقتصادی ارایه شده است سپس ضریب همبستگی خطی میان نرخ رشد عملکرد شرکت‌های تازه تأسیس به عنوان شاخص جانشین فعالیت‌های کارآفرینی و نرخ رشد اقتصادی در سطح ۱۴ کشور تحت بررسی محاسبه شده است. نتایج بدست آمده از مدل نظری و تحلیل تجربی نشان می‌دهد:

- ۱- دانشگاهها و مراکز آموزش عالی نقش مؤثری در پرورش کارآفرینان دارند که این نقش از طریق تعریف و عرضه واحدهای درسی جدید مانند «کسب و کار الکترونیک» انجام می‌شود.
- ۲- ضریب همبستگی میان کارآفرینی و رشد اقتصادی ۰/۷۹ است یعنی بهبود شاخص کارآفرینی موجب رشد اقتصادی بیشتر می‌شود.

### واژگان کلیدی:

سرمایه‌ی انسانی، کارآفرینی، آموزش عالی، کسب و کار الکترونیک، رشد اقتصادی، ضریب همبستگی، مدل TEEE.

### مقدمه:

رشد اقتصادی یکی از اهداف دولت در جامعه است که تحقق آن نیازمند فراهم شدن امکانات و شرایط مناسب محیطی مانند کارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت، وسعت زیر ساخت های اقتصادی و وجود نهادهای پیش برنده است. از سوی دیگر عوامل کمی و کیفی تولید مانند نیروی کار، سرمایه‌ی فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی نیز به عنوان منابع رشد اقتصادی مطرحند. سرمایه‌ی انسانی معادل کیفیت نیروی انسانی است که با وجود آن، امکان ترکیب مناسب نهادهای کار و سرمایه‌ی فیزیکی و خلق فرصت‌های اقتصادی جدید فراهم می‌شود. یکی از عواملی که در ارتقای کیفیت نیروی انسانی مؤثر است تربیت افراد تحصیلکرده با ویژگیهای پیش برنده مانند روحیه خلاقیت، تفکر، نوآوری، تحول‌گرایی و توسعه‌گرایی در مراکز آموزشی است. شومپتر<sup>۱</sup> (۱۹۳۴) نظریه پرداز توسعه، عبارت کارآفرین یا انترپرنور<sup>۲</sup> را برای این افراد بکار می‌برد. از نظر وی انترپرنور به عنوان قدرت و نیروی محرکه توسعه مطرح است. انترپرنور کسی است که بطور پیوسته به دنبال شناسایی ظرفیت های اقتصادی جدید، پیگیری فرصت‌های اقتصادی موجود و تبدیل آن به موقعیت‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن محدودیت‌هاست که این نقش از طریق تفکر، توان بالای برنامه‌ریزی و مدیریت، خطر پذیری، داشتن روحیه خلاقیت و نوجویی انجام می‌شود. نظر به نقش انترپرنورها یا کارآفرینان در

1- Schumpeter  
2 - Entrepreneur

تسریع روند رشد و توسعه‌ی اقتصادی، کشورهای پیشرفته طی دهه‌های گذشته اقدام به برنامه ریزی جهت رشد و پرورش کارآفرینان نموده‌اند که در این زمینه به تأسیس چندین دانشکده برای تربیت افراد با انگیزه و نوآور درآلمان طی سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۵ و آموزش کارآفرینی در مدارس ژاپن در سال ۱۹۸۵ می‌توان اشاره کرد.

در این جا سؤالی که مطرح است این که نقش دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در تربیت و پرورش کارآفرینان چیست؟ و در این زمینه چه راه حلی پیشنهاد می‌شود؟

توسعه‌ی کارآفرینی چه اثری بر رشد اقتصادی جامعه دارد؟

هدف این مقاله یافتن پاسخ مناسب به پرسش‌های فوق است که در این راه پس از مروری کوتاه بر ادبیات کارآفرینی، ابتدا مدلی با عنوان «آموزش عالی، کارآفرینی و رشد اقتصادی» ارائه می‌شود و سپس از طریق تجربی رابطه میان کارآفرینی و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲- مروری بر ادبیات کارآفرینی

### ۲-۱- مفهوم کارآفرینی

واژه‌ی کارآفرین یا انترپرنور اولین بار در فرانسه از سوی «کانتیلون»<sup>۱</sup> (۱۷۵۵) مورد استفاده قرار گرفت که بعدها وقتی وارد زبان انگلیسی شد عنوان «بازرگان»<sup>۲</sup>، «ماجرا جو»<sup>۳</sup> و یا «صاحب‌کار»<sup>۴</sup> به آن اطلاق گردید. به اعتقاد کانتیلون کسی که در شرایط مشخص بودن یا حتمیت<sup>۵</sup> مخارج و نامشخص بودن یا عدم حتمیت<sup>۶</sup> درآمدها به استقبال فعالیت تجاری می‌رود، یک انترپرنور است. تماششخص بودن درآمدها موجب می‌شود تا آینده بازار به طور کامل قابل پیش‌بینی نباشد و با این تعریف، کانتیلون کار تحت شرایط نامشخص و استقبال از ریسک را از ویژگی‌های انترپرنور می‌داند.

ژورف شومپتر اولین کسی است که بطور جامع و گسترده از واژه‌ی کارآفرین در نظریات اقتصادی استفاده نموده است وی از انترپرنور به عنوان قدرت و نیروی محرکه توسعه یاد می‌کند، از نظر شومپتر علاوه بر نیروی کار و سرمایه به عنوان منابع رشد اقتصادی وجود کار فرمای خلاق یا انترپرنور در فرآیند رشد اقتصادی کشورها اهمیت دارد. انترپرنور فردی است که هدف مهمی در ذهن دارد، تنها به دنبال افزایش درآمد نیست بلکه به دنبال یافتن راهکارهایی جهت چیرگی بر رقبا در بازار است. در دیدگاه شومپتر به کارگیری ترکیبات جدید در بازار مانند معرفی یک کالای جدید، ارائه یک روش جدید تولید، دستیابی به بازارهای جدید، یافتن ماده جدید، راه‌اندازی تشکیلات و سازمان‌های جدید موجب توسعه‌ی اقتصادی می‌شود، این ترکیبات در سایه نوآوری، ابداعات و اختراعات پدید می‌آید که طبقه‌ای بنام انترپرنور یا کارآفرین مجری آن است.

کارآفرین مخترع نیست بلکه نوآور<sup>۷</sup> است که با بکارگیری و هدایت صحیح منابع و امکانات اقتصادی مانند اختراعات، ابزار تولید و اعتبارات به خلق فرصت‌های اقتصادی جدید می‌پردازد و از این جهت موجب بهبود عملکرد بنگاه می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مهم کارآفرین، تصمیم‌گیری در شرایط خطر و ریسک است که کارفرمایان معمولی از آن بی‌بهره‌اند. در این زمینه «نایت»<sup>۸</sup> (۱۹۲۱) معتقد است: کارآفرین به تصمیم‌گیری در شرایط عدم حتمیت می‌پردازد، عدم حتمیت با ریسک متفاوت است. ریسک شرایطی است که در آن نتایج یک فعالیت اقتصادی گرچه نامشخص است اما با احتمال معین قابل پیش‌بینی می‌باشد این در حالی است که در عدم حتمیت احتمال رخداد نتایج مشخص نیست. اگر ریسک را به دو بخش قابل اندازه‌گیری و جبران توسط مؤسسات بیمه و غیرقابل اندازه‌گیری و جبران توسط مؤسسات بیمه تقسیم‌بندی نماییم. کارآفرین کسی است که حاضر به پذیرش بخشی از ریسکی است که غیر قابل جبران توسط مؤسسات بیمه می‌باشد که این رفتار متفاوت از رفتار بازرگان

- 1- Contillon
- 2- Marchant
- 3- Adventurer
- 4 - Employer
- 5 - Certainty
- 6 - Uncertainty
- 7 - Innovator
- 8 - Knight

عادی است چون بازرگان عادی تنها از فعالیت‌های اقتصادی دارای ریسک و خطر قابل جبران توسط مؤسسات بیمه استقبال می‌نماید. "کیزنر"<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) نیز در مطالعه‌ای ویژگی‌های کارآفرین را مورد بررسی قرار داده است. از نظر وی کارآفرین کسی است که از فرصت‌های تجاری بازار اطلاع دارد و با شناسایی عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان به عنوان یک دلال و واسطه<sup>۲</sup> در بازار عمل می‌کند به نحوی که ضمن تسهیل تجارت از فرصت‌های تجاری موجود استفاده می‌نماید براساس این تعریف سود و منفعت اقتصادی کارآفرین از نقش واسطه‌گری و دلالی او ناشی می‌شود و برای این کار به سرمایه و منابع مشخصی نیاز ندارد.

"دراکر"<sup>۳</sup> (۱۹۸۵) از صاحب‌نظران کار آفرینی، کارآفرین را کسی می‌داند که فعالیت اقتصادی کوچک، جدید و متعلق به خود را شروع می‌کند، کارآفرین تغییر دهنده ارزش هاست، ریسک پذیر است و بدرستی تصمیم می‌گیرد، وی گرچه سرمایه‌گذار نیست اما برای فعالیت خود به سرمایه نیاز دارد.

"جانسن"<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) مفهوم کارآفرین اجتماعی را مطرح ساخته است و معتقد است: کارآفرین اجتماعی کسی است که روش‌های نوآورانه‌ای برای ترکیب و هدایت نیازهای اجتماعی دارد به خصوص وقتی جامعه با کاهش منابع عمومی مواجه است.

براساس دیدگاه‌های فوق کارآفرین را فردی با ویژگی‌های پیش‌برنده‌ای مانند نوآوری، خلاقیت ریسک‌پذیری، آرایه ترکیبات جدید در بازار و استفاده از فرصت‌های تجاری بازار می‌توان تعریف کرد.

## ۲-۲- اثرات کار آفرینی:<sup>۵</sup>

کارآفرین با استفاده بهتر از فرصت‌ها، اقدام به راه‌اندازی کسب و کار جدید و خلق ظرفیت‌های جدید اقتصادی می‌کند و از این جهت روند رشد اقتصادی را سرعت می‌بخشد. در این ارتباط "توریک"<sup>۶</sup> (۱۹۹۹) به نقش کار آفرینان در فرآیند رشد اقتصادی اقتصادی اشاره کرده و معتقد است: با افزایش تعداد کارآفرینان، شرکت‌های جدید تأسیس می‌شود و تعداد شرکت‌ها در بازار افزایش می‌یابد، ابداعات و اختراعات بیشتری در جامعه صورت می‌گیرد که این عوامل موجب تقویت محیط رقابتی در بازار می‌شوند، افزایش رقابت میان بنگاه‌های اقتصادی نیز رشد اقتصادی بیشتر به همراه دارد. در مطالعات دیگری که از سوی دیده‌بان جهانی کار آفرینی (GEM)<sup>۷</sup> "بامول"<sup>۸</sup> (۱۹۹۳) و "ویوا"<sup>۹</sup> (۱۹۹۸) صورت گرفته اثر مثبت کار آفرینی بر رشد اقتصادی در چارچوب چارچوب مدل‌های نظری تأیید شده است.

توسعه کارآفرینی، رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد که از طریق آن اثرات مثبتی چون بهبود وضعیت رفاهی مردم، کاهش فقر و افزایش اشتغال در جامعه بوجود می‌آید. در این ارتباط هندرسن<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۲) نشان داده است: کارآفرینان به طور قابل ملاحظه‌ای روی سطح فعالیت‌های اقتصادی از طریق ایجاد مشاغل جدید اثر دارند.

## ۳- آموزش عالی، کارآفرینی، رشد اقتصادی: آرایه یک مدل نظری

کارآفرین با ایجاد تحول و نوآوری در تولید موجب گسترش ظرفیت‌های اقتصادی می‌شود و در نهایت روند رشد و توسعه اقتصادی کشور را سرعت می‌بخشد. از دیدگاه شومپتر رشد اقتصادی فقط از طریق عوامل کمی تولید یعنی نیروی کار و سرمایه فیزیکی قابل تأمین نیست بلکه باید عامل دیگری هم وجود داشته باشد که این عوامل را به نحو مناسب با یکدیگر ترکیب کند و آنرا به کار گیرد. این عامل، کارآفرین است که در ظهور و پرورش آن مراکز آموزش عالی و دانشگاهها نقش مهمی ایفا می‌کنند. برای تبیین جایگاه و نقش آموزش عالی و در ظهور کار آفرینان و از این طریق تأثیر گذاری بر رشد اقتصادی به آرایه مدلی با عنوان

- 1 - Kirzner
- 2 - Middleman
- 3 - Drucker
- 4- Johnson
- 5 - Entrepreneurship
- 6 - Thurik

1 - Global Entrepreneurship Monitor

- 2 - Baumol
- 3 - Yu
- 4 - Henderson

«آموزش عالی، کار آفرینی، رشد اقتصادی» (TEEE)<sup>۱</sup> می‌پردازیم. شکل (۱) این مدل رابطه میان آموزش عالی، کارآفرینی و رشد اقتصادی را تشریح می‌کند.

شولتز<sup>۲</sup> (۱۹۶۱) در دهه ۶۰ تفسیر نوینی از تشکیل سرمایه ارائه نمود. از نظر وی معنی و مفهوم تشکیل سرمایه یا سرمایه‌گذاری<sup>۳</sup> به عنوان یکی از منابع رشد اقتصادی تنها در ماشین‌آلات، کالاهای با دوام و تجهیزات محدود نمی‌شود بلکه آموزش، آموزش، دانش و مهارت نیروی انسانی یکنوع تشکیل سرمایه به حساب می‌آید. شولتز عنوان سرمایه انسانی<sup>۴</sup> را برای این نوع سرمایه‌گذاری اطلاق نمود. سرمایه انسانی همان کیفیت نیروی انسانی است که یکی از عوامل ارتقاء سطح آن آموزش سرمایه انسانی می‌باشد. از این منظر توسعه‌ی آموزش عالی نقش اساسی در رشد اقتصادی کشور دارد. این نقش می‌تواند از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص و پرورش کارآفرینان انجام شود. نقش آموزش عالی در تربیت و پرورش کار آفرینان تابع شرایط محیطی برون‌زا در سطح ملی و عملکرد درونی نظام آموزش عالی با مؤلفه‌های زیر است.

**الف - شرایط محیطی برون‌زا در سطح ملی:** واقعیت آن است که عوامل خارج از اراده نظام آموزش عالی بر عملکرد آن مؤثر است که از آن جمله به نقش دولت در تخصیص اعتبارات، جایگاه کمیت و کیفیت آموزش عالی در نظام سیاست‌گذاری کشور، میزان تحقیق و توسعه، اندازه زیر ساخت‌های اقتصادی و کارکرد نظام آموزش و پرورش می‌توان اشاره کرد. آموزش و پرورش با تربیت افراد بهره‌مند از باورهای فرهنگی پیش‌برنده مانند احترام به حقوق دیگران، نظم‌پذیری، نگرش علمی در برخورد با مسایل می‌تواند نیروی انسانی با کیفیت به نظام آموزش عالی عرضه نماید که این اقدام در افزایش توانمندی‌های کیفی دانشجویان در مراکز آموزش عالی مؤثر است. در این مرحله همچنین شکل‌گیری نهادهای پیش‌برنده مانند قوانین و مقررات، حقوق مالکیت، آزادی اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد نیز می‌تواند بر عملکرد آموزش عالی مؤثر باشد چرا که وجود این عوامل شرایط مناسب برای افزایش سطح فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت‌های اجتماعی در جامعه فراهم می‌نماید که در نتیجه آن تقاضا برای نیروی انسانی متخصص که تربیت آن بر عهده آموزش عالی است، افزایش می‌یابد و شرایط مناسب محیطی برون‌زا در سطح ملی، خود موجب ظهور و توسعه شرکت‌های تولیدی جدید می‌شود که این مسئله نیز بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.

**ب - عملکرد درونی نظام آموزش عالی:** عواملی مانند سیاست‌های مراکز تصمیم‌گیری مرتبط با نظام آموزش عالی، تحقیق و پژوهش در دانشگاهها، نحوه تخصیص منابع در مراکز آموزش عالی، توانمندی نیروی انسانی شاغل، کیفیت تدریس و تناسب واحدهای درسی با نیازمندی‌های جامعه در عملکرد نظام آموزش عالی مؤثر است. که این عملکرد در کمیت و کیفیت دانشجویان تجلی می‌یابد.

در سالهای اخیر تعداد کل دانشجویان در مراکز آموزش عالی رشد زیادی داشته است بطوریکه از ۱۱۹۰۵۳ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲۴۵۲۷۷ نفر در سال ۱۳۸۴ رسیده است<sup>۵</sup> و بنابراین از نرخ رشد متوسط سالانه ۳۹ درصد برخوردار بوده است. سوالی که در این جا مطرح است اینکه تا چه حد توسعه‌ی کمی دانشگاهها بر رشد اقتصادی کشور اثر مثبت داشته است؟ آیا افزایش تعداد دانشجویان منجر به خلق ثروت اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی و تجاری جدید شده است؟ آیا افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی منجر به رشد بهره‌وری و افزایش تولید سرانه شده است؟ گرچه پاسخ به این سوالات نیازمند اطلاعات دقیقی است اما اتکاء به آمارهای جانبی زیر تا چه حدودی تصویری از وضعیت موجود را ترسیم می‌کند.

- نرخ بیکاری در کل کشور ۱۲/۷۵ درصد<sup>۶</sup> و نرخ بیکاری به علت تحصیلات دانشگاهی در ایران ۱۹/۳ درصد است.<sup>۷</sup>  
- طی سالهای (۸۴ - ۱۳۷۵) تعداد دانشجویان از نرخ رشد متوسط سالانه ۴۰ درصد و تولید واقعی سرانه از نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۹ درصد برخوردار ر بوده است.<sup>۱</sup>

5- Tertiary Education Entrepreneurship Economic Growth

6 - Schultz

7- Investment

1-Human Capital

۵- گزارش های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سالهای مختلف

۶- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۸۵

2. World Development Indicator , 2006

اطلاعات فوق نشان می دهد: رشد کمی تعدادی دانشجویان در مراکز آموزش عالی طی سالهای گذشته همگام با رشد تولید سرانه واقعی، کاهش بیکاری و قابلیت جذب در بخش خصوصی نبوده است که یکی از دلایل آن می تواند پایین بودن کیفیت نیروی انسانی آموزش دیده در مراکز آموزش عالی باشد. با توجه به اهمیت کیفیت نیروی انسانی در رشد اقتصادی و نقش دانشگاهها به عنوان یکی از مراکز تربیت نیروی انسانی، لازم است تا بهبود کیفیت افراد تحصیلکرده در مراکز آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. یکی از ابزارهای مهم در تحقیق این امر، رویکرد کارآفرینی در رشته های تحصیلی دانشگاهی است.

**۱-۳- رویکرد کارآفرینی در نظام آموزش عالی:** رشته های دانشگاهی در مراکز آموزش عالی باید به گونه ای طراحی و سازمان دهی شوند که محصول آن علاوه بر نشر و اشاعه دانش و معرفت میان مردم، دانش آموختگانی با بهره وری بالا، دانش و اطلاعات و تخصصی مناسب، روحیه نوآوری و خلاقیت، ریسک پذیری، نوجویی و انگیزه قوی در کشف فرصت های اقتصادی جدید باشد این موارد بنا بر تعریف از ویژگی های مهم کارآفرینان یا انترپرنورهاست در حال حاضر واحدهای درسی در اغلب رشته های دانشگاهی به گونه ای است که دانشجو با گذراندن حدود ۱۳۶ واحد درسی گرچه از دانش و تعلیمات بیشتری نسبت به دوره متوسطه برخوردار است اما از ویژگی کارآفرینی بی بهره است چون اولین دغدغه اش دسترسی به شغل است و چه بسا سالها پس از فراغت از تحصیل بیکار می ماند! غافل از آنکه در نظام آموزش عالی، دانشجو می تواند به گونه ای تربیت شود که پس از اتمام دوره تحصیلی اش نه تنها نگرانی نسبت به کار خود داشته باشد بلکه ایجاد کننده کار و فرصت های جدید اقتصادی بوده و در واقع یک کارآفرین باشد<sup>۲</sup> برای این کار لازم است تا زمینه ظهور دانشجویان کارآفرین در نظام آموزش عالی فراهم شود. یکی از عوامل مؤثر در تحقق این هدف، تعریف دروس مرتبط با کارآفرینی برای دانشجویان رشته های مختلف تحصیلی است. به عنوان مثال در کنار تعداد زیادی از دروس نظری در رشته های مدیریت و علوم اقتصادی که تنها موجب افزایش دانش عمومی و محفوظات دانشجو می شود می توان دروس کاربردی که پیوند میان مباحث نظری و دنیای واقعی بوجود آورده و در تقویت روحیه خلاقیت و نوجویی مؤثر است، تعریف نمود، در این زمینه گرچه اخیراً درس سه واحدی کارآفرینی برای دانشجویان دو رشته مذکور تعریف شده اما لازم است. دانشجو پس از گذراندن آن، کارآفرینی را در عمل تجربه نماید که برای این کار تعریف و ارایه درس کسب و کار الکترونیک، پیشنهاد می گردد.

### ۱-۳- درس کسب و کار الکترونیک

با توجه به اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در شناسایی و فرصت های بازار در دنیای امروز درس کسب و کار الکترونیک می تواند با تقویت روحیه کارآفرینی شرایط ورود دانشجویان به دنیای اطلاعات و ارتباطات را فراهم کرده و موجب تجاری شدن محصولات آموزشی مراکز آموزش عالی گردد. ویژگی های درس به شرح زیر می باشد:

**هدف درس:** طراحی سیستم کسب و کار با استفاده از شبکه های کامپیوتری و اینترنت به منظور افزایش فروش و درآمد بنگاه، امکان ارایه خدمات و محصولات تولیدی در سطح بازارهای فرا منطقه ای، جلوگیری از اتلاف وقت، کاهش هزینه های تبلیغات کالا، دانشجو در پایان درس باید به طراحی و ارایه یک فروشگاه الکترونیک<sup>۳</sup> در مورد یک کالا یا خدمت بپردازد.

۱- گزارش اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سالهای مختلف

۲- این ویژگی در رویکرد آینده آموزش عالی در سطح جهان مورد توجه قرار گرفته است به عنوان مثال سازمان علمی آموزشی فرهنگی ملل متحد (UNESCO) در چشم انداز جهانی آموزش عالی برای قرن ۲۱ توسعه مهارت های کارآفرینی در دانشگاه های را مورد تأکید قرار دارد و دانشگاه نوین را دانشگاهی می داند که در آن مهارت های کارآفرینی به منظور افزایش قابلیت های فارغ التحصیلان به ایجاد کنندگان کار توسعه یافته است.

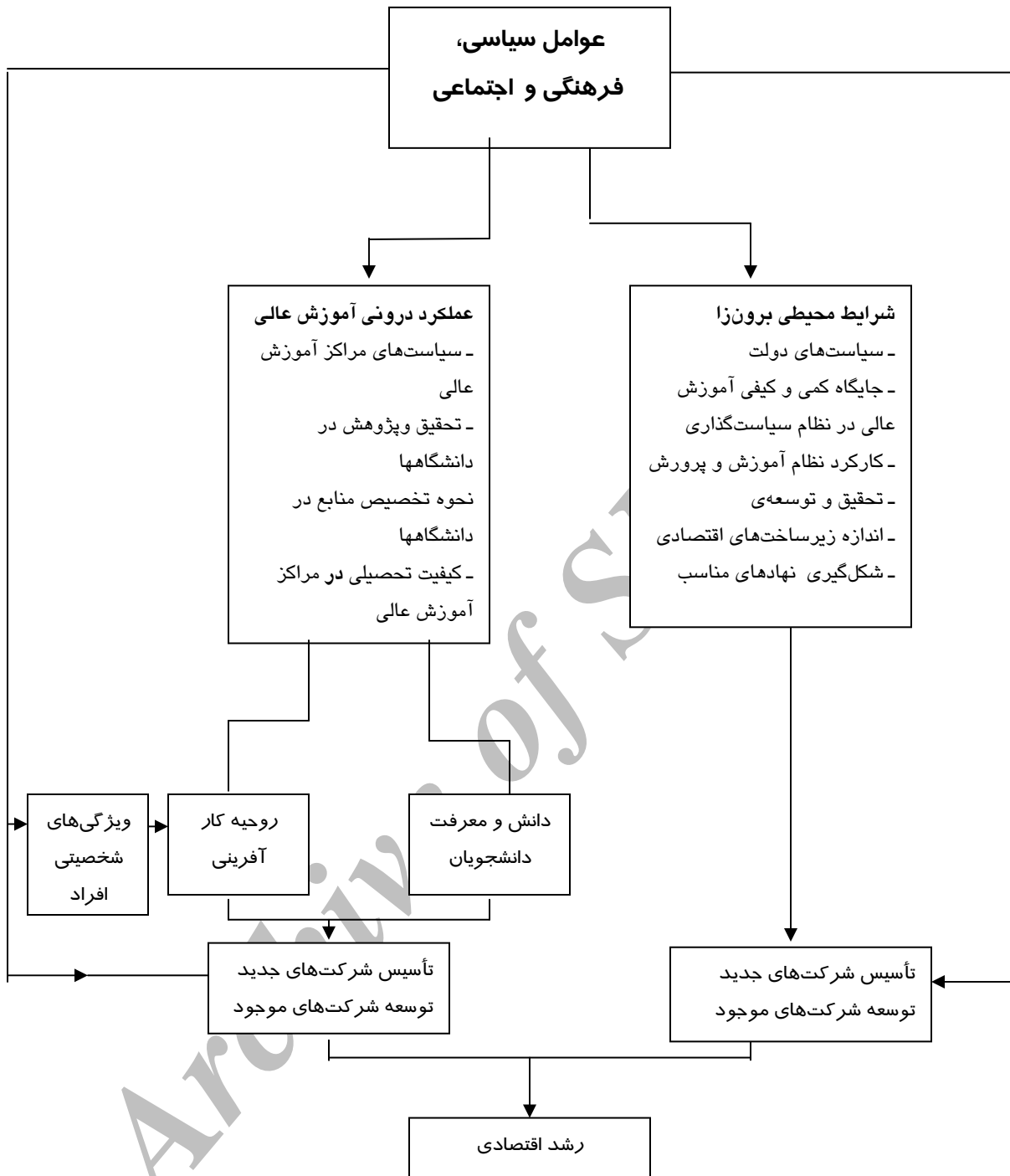
## سرفصل درس:

- ۱- آشنایی مقدماتی با کامپیوتر و اینترنت
  - ۲- نوشتن یک برنامه کسب و کار شامل تکمیل فرم و پرسشنامه مربوط به خطوط کلی کسب و کار یک بنگاه (هدف، معرفی کالا یا خدمت، توصیف چگونگی کسب و کار، پیش‌بینی فروش و درآمد) پس از تشکیل یک گروه از دانشجویان شامل حداکثر ۵ نفر
  - ۳- راه‌اندازی، طراحی و توسعه‌ی فروشگاه الکترونیک پس از تأیید فرم پرسشنامه در چارچوب سایت طراحی شده توسط دانشگاه، دانشجو پس از تأیید فرم پرسشنامه توسط استاد اقدام به راه‌اندازی فروشگاه الکترونیک می‌نماید.
- پیش‌نیاز:** اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، مبانی کار آفرینی

**پیامدهای خارجی مثبت درس:** آموزش و آرایه درس کسب و کار الکترونیک از یک سو مهارت، توانمندی و تخصص دانشجویان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر جامعه را از منافع مثبت آن بهره‌مند می‌سازد که از آن جمله به تأسیس شرکت‌های تولیدی و خدماتی جدید و توسعه و تقویت شرکت‌های موجود می‌توان اشاره نمود. از دیگر اثرات آن به درآمدزایی برای مراکز آموزش عالی و ایجاد فرصت‌های شغلی و تجاری جدید می‌توان اشاره کرد.

در شکل (۱) زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه به عنوان عامل اثرگذار بر شرایط محیطی و عملکرد نظام آموزش عالی و ویژگی‌های شخصیتی افراد مانند میزان استقبال از خطر، احساس نیاز به موفقیت و پیشرفت و حس نوآوری به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ظهور روحیه‌ی کارآفرین معرفی شده‌اند.

شکل ۱- مدل آموزش عالی، کار آفرینی، رشد اقتصادی



#### ۴- کارآفرینی، رشد اقتصادی، تحلیل تجربی

بر اساس تحلیل انجام شده در چارچوب مدل TEEE، عملکرد مطلوب مراکز آموزش عالی و شرایط مناسب محیطی برونزا در سطح ملی موجب ارتقاء سطح کارآفرینی می‌شود توسعه کارآفرینی نیز همراه با ورود بنگاههای جدید به بازار، ایجاد کسب و کار جدید و شکل‌گیری و توسعه شرکت‌های جدید تولیدی و خدماتی است که این عوامل رشد اقتصادی بیشتر را بوجود می‌آورد. در این قسمت به بررسی رابطه میان کارآفرینی و رشد اقتصادی می‌پردازیم گرچه آمارهای محدودی از میزان کارآفرینی در سطح

کشورها وجود دارد اما اتکاء به آمارهای جانبی تا حدودی وضعیت آن را ترسیم می‌کند. یکی از شاخص‌هایی که جانشین<sup>۱</sup> مناسبی برای فعالیت‌های کارآفرینی است، نرخ رشد عملکرد شرکت‌های تازه تأسیس می‌باشد. بیشتر بودن نرخ رشد عملکرد شرکت‌های جدید ناشی از توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینی است. در این ارتباط از آمارهای مرکز NAEC<sup>۲</sup> در مورد سهم شرکت‌های جدید با نرخ عملکرد بیش از ۶۰ درصد در کل شرکت‌های ثبت شده در سطح ۱۴ کشور استفاده می‌نماییم. جدول زیر نشان دهنده نسبت شرکت‌های جدید با نرخ رشد عملکرد بیش از ۶۰ درصد به تعداد کل شرکت‌های ثبت شده در سطح ۱۴ کشور است در این جدول همچنین میزان نرخ رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی ارایه شده است.

جدول ۱-۴. اطلاعات نرخ رشد شرکت‌ها و نرخ رشد اقتصادی در کشورهای منتخب

کشور	سهم شرکت‌های جدید با نرخ رشد عملکرد بیشتر 60 درصد از کل شرکت‌ها به ثبت رسیده (NF) درصد (۲۰۰۲ - ۲۰۰۰)	نرخ رشد اقتصادی متوسط سالانه (GP) درصد (۲۰۰۴ - ۲۰۰۰)
کره جنوبی	۱۵/۵	۴
امریکا	۱۳/۵	۲/۵
انگلستان	۸/۵	۲/۹
اسپانیا	۸/۲	۳/۱
هلند	۷/۳	۱
فنلاند	۵/۸	۲/۵
نروژ	۵/۷	۲/۶
سوئد	۵/۱	۱/۴
فرانسه	۴	۱/۶
ایتالیا	۳/۹	۱/۲
دانمارک	۳/۳	۱/۷
پرتغال	۳/۱	۱/۳
آلمان	۲/۶	۱/۳
اتریش	۱/۷	۰/۹

**Source:**

1-World Development Indicators (WDI)2006.

2-National Agency for Enterprise and Construction.

1 - Proxy

2- National Agency for Enterprise and Construction



برای بررسی رابطه میان کارآفرینی و نرخ رشد اقتصادی در سطح کشورها معیار ضریب همبستگی<sup>۱</sup> خطی ساده میان دو شاخص مذکور محاسبه شده است که جدول (۲-۴) نتایج محاسبات را نشان می دهد.

جدول ۲-۴ ماتریس همبستگی میان رشد عملکرد شرکت‌های جدید و نرخ رشد اقتصادی

	GP	NF
GP	1	۰/۷۹
NF	۰/۷۹	1

#### منبع : محاسبات محقق

همانطور که ملاحظه می‌گردد ضریب همبستگی میان رشد عملکرد شرکت‌های جدید و نرخ رشد اقتصادی در سطح ۱۴ کشور تحت بررسی ۰/۷۹ است ، علامت مثبت آن رابطه مستقیم میان کارآفرینی و رشد اقتصادی را تأیید می‌کند که براساس آن می‌توان ادعا کرد با توسعه فعالیت‌های کارآفرینی ، میزان رشد اقتصادی در سطح کشورها افزایش می‌یابد همچنین مقدار ضریب همبستگی ۰/۷۹ بدست آمده است که اندازه بالای آن نشان دهنده درجه بالای همبستگی میان کارآفرینی و رشد اقتصادی در بین کشورهای منتخب است این نتیجه لزوم توسعه کارآفرینی در بین کشورها را جهت تسریع روند رشد اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد که این اثر می‌تواند از طریق کارکرد مناسب نظام آموزش عالی در پرورش و تربیت دانشجویان کارآفرین صورت گیرد.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

توسعه کارآفرینی موجب بهبود عملکرد شاخص‌های اقتصادی مانند بهبود وضعیت رفاهی مردم، افزایش اشتغال ، رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌شود ، کارآفرین سرمایه‌ی انسانی جامعه محسوب می‌شود که با تفکر، نوآوری و خلاقیت خود مبادرت به خلق ظرفیت‌های اقتصادی جدید می‌کند.

مراکز آموزش عالی و دانشگاهها نقش مهمی در ظهور و پرورش کارآفرینان ایفا می‌کنند، این نقش تابع شرایط محیطی برون‌زا در سطح ملی و عملکرد درونی نظام آموزش عالی است. که آنرا بر اساس مدل «آموزش عالی، کارآفرینی و رشد اقتصادی» می‌توان تشریح کرد یکی از مولفه‌های مؤثر در عملکرد مناسب نظام آموزش عالی ، کیفیت واحدهای درسی و تناسب آن با نیازمندی‌های جامعه است. آمارهای موجود نشان می‌دهد طی سالهای (۸۴- ۱۳۷۵) تعداد کل دانشجویان مراکز آموزش عالی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است به طوریکه با نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۹ درصد از ۱۱۹ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲/۴۵ میلیون ریال نفر در سال ۱۳۸۴ رسیده است. این رشد کمی همراه با رشد تولید سرانه واقعی نبوده است یکی از عواملی که موجب نقش بیشتر دانشگاهها در رشد تولید واقعی جامعه می‌گردد، بهبود کیفیت نیروی انسانی تحصیلکرده است که یکی از ابزارهای تحقق آن رویکرد کارآفرینی در نظام آموزش عالی است. رشته‌های دانشگاهی در مراکز آموزش عالی باید به گونه‌ای طراحی شوند که در آن ، افراد ضمن کسب دانش و معرفت نظری دارای اطلاعات تخصصی مناسب، روحیه‌ی خلاقیت و نوآوری باشند تا از این طریق بتوانند فرصت‌های اقتصادی جدید پدید آورند، در این ارتباط ارایه درس «کسب و کار الکترونیک» برای دانشجویان رشته‌های مدیریت بازرگانی و علوم اقتصادی پیشنهاد می‌گردد.

توسعه فعالیت‌های کارآفرینی موجب رشد اقتصادی کشور می‌شود که در این ارتباط ضریب همبستگی میان فعالیت‌های کارآفرینی و رشد اقتصادی در سطح کشورها، گفته فوق را تصدیق می‌نماید . نتایج حاصل از تحلیل تجربی نشان می دهد ضریب همبستگی میان کارآفرینی و رشد اقتصادی در سطح کشورها ۰/۷۹ است که بر این اساس رویکرد کارآفرینی در نظام آموزش عالی بر روند رشد و توسعه اقتصادی کشور اثر مثبت دارد.

1- Correlation Coefficient

## منابع و مأخذ

- ۱- دهستانی منفرد، منصور (۱۳۸۵) کار آفرینی و فناوری اطلاعات و ارتباطات ، فصلنامه تخصصی اشتغال و کارآفرینی ، رویش ، شماره ۱۶ و ۱۷،
- ۲- ستاری فر، محمد (۱۳۷۴) در آمدی بر سرمایه و توسعه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۳- عظیمی ، حسین (۱۳۸۳) مدارهای توسعه نیافتگی در ایران، نشر نی.
- ۴- ظهیری ، منصور (۱۳۸۵) توسعه‌ی کار آفرینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی، فصلنامه تخصصی اشتغال و کارآفرینی، رویش، شماره ۱۶ و ۱۷،
- ۵- مرادی، حسن (۱۳۸۳) دانشگاه کارآفرین: رویکردی نوین در مدیریت دانشگاهها ، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه‌ی پایدار.
- 6- Drucker, P.F. (1985) *Innovation and Entrepreneurship*, New York: Harper & Row Publishers.
- 7- GEM(Global Entrepreneurship Monitor) Variou Reports.
- 8- National Agency for Enterprise and Construction (2004) Report.
- 9- Ngai, E.W.T(2007) Learning in Introductory E-Commerce: A Project- based Teamwork Approach, *Computers and Education*, 48, pp.17-29.
- 10- Johnson,S.(2000)Literature review on Social Entrepreneurship. Canadian Centre for Social Entrepreneurship, 16pp.
- 11- Karadeniz, E.E(2006) Entrepreneurship and Economic Development , Kocaeli University Working paper , 85-99.
- 12- Kirzner, M. (1997) Entrepreneurial Discovery and the Competitive Market Process: An Austrian Approach, *Journal of Economic Literature*, 35(1), 60- 85.
- 13- Peredo, A.M(2006) Social Entrepreneurship: A Critical Review of the Concept, *Journal of world Business*, pp.56-65.
- 14- Yn, Tony Fu-Lai (1998) Adaptive Entrepreneurship and the Economic Development of Hong Kong, *World Development*,. 26(5), 897- 911.